

متن سخنرانی آقای دکتر یزدی در همایش "چشم‌انداز مناسبات ایران و آلمان"

«منظر روابط آینده ایران و آلمان»

آقای رئیس

خانم‌ها و آقایان،

اجازه بدهید قبل از هر چیز به رسم ایرانی خودمان به شما سلام عرض کنم. از این که فرصت پیدا کرده‌ایم تا درباره روابط دو کشور با شما به گفتگو بنشینیم از میزبانان محترم خود صمیمانه تشکر می‌نمائیم.

از هنگامی که «برخورد تمدن‌ها» (Clash of civilizations) توسط ساموئیل هانتینگتون مطرح گردید، واکنش‌های مخالف و موافق متعددی از جانب منابع و مراکز مختلف در شرق و غرب، شمال و جنوب صورت گرفت که موجب بحث‌های جدیدی در زمینه روابط و مناسبات ملت‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها گردید. از میان مجموعه‌ی این واکنش‌ها شاید بتوان گفت که از طرح «گفتگوی تمدن‌ها» (Dialogue between civilizations) ابتکار آقای خاتمی، رئیس‌جمهور ایران، بیش از همه استقبال به عمل آمده است.

اگر بخواهیم در تعریف تمدن و فرهنگ کمی دقیق‌تر صحبت کنیم باید بگوییم آنچه به نام «برخورد تمدن‌ها» یا «گفتگوی تمدن‌ها» عنوان شده است در واقع مربوط به حوزه فرهنگ‌هاست نه تمدن‌ها. در واقع منظور از گفتگوی میان تمدن‌ها، روابط انسانی میان ملت‌ها با فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد. چنین گفتگویی ضرورتاً و علی‌الاصول نظر به روابط دولت‌ها ندارد، بلکه درصدد ایجاد رابطه و مبادله باورها و ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ملت‌ها از طریق گاه دیدارهای مستقیم ورزشکاران در مسابقات جهانی میان تیم‌های ورزشی است و گاه دیدار و گفتگوی غیرمستقیم از طریق ارائه محصولات هنرمندان، نظیر فیلم‌های سینمایی، آثار هنری، نقاشی و غیره صورت می‌گیرد، و گاه به صورت مبادله استادان دانشگاه‌ها و یا دیدار و گفتگوی گروه‌ها و احزاب سیاسی.

از نظر ما دیدار یک گروه پارلمانی از حزب سبزها از ایران و دعوت دوستانه شما از نهضت آزادی ایران و حضور ما در اینجا در واقع بخشی است از برنامه گفتگوی تمدن‌ها و یا تعامل میان فرهنگ‌ها. کاهش تنش‌های جهانی، هموار ساختن راه بهبود مناسبات میان ملت‌ها و ایجاد و حفظ یک صلح پایدار، قبل و پیش از هر چیز به دیدارها و گفتگوهای گسترده میان طبقات و گروه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، ورزشی و علمی نیازمند است.

حضور ما در اینجا کوشش برای پاسخ مثبت دادن به این نیاز و ایجاد تفاهم بیشتر میان دو ملت می‌باشد. آقای مهندس توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، وضعیت مناسبات و روابط گذشته میان ایران و آلمان را اجمالاً بررسی کردند و توضیحاتی دادند.

من مایلیم نگاهم را به آینده این روابط معطوف سازم و به این نکته پردازم که چه امکانات و گزینه‌هایی در برابر دو کشور قرار دارد و یا می‌بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

از آنجا که محور و مبنای اصلی روابط دو کشور را در نهایت مناسبات اقتصادی تشکیل می‌دهد، شاید بهتر باشد ما هم آینده روابط دو کشور را از همین نقطه بررسی نماییم.

روابط اقتصادی می‌تواند در دو سطح کوتاه مدت و دراز مدت شکل بگیرد. اگر بپذیریم که در دوران بعد از جنگ سرد، اولویت‌های سیاسی جای خود را به اولویت‌های اقتصادی داده‌اند و به این واقعیت تسلیم شویم که ساختارهای اقتصادی، آرام آرام به سوی یک اقتصاد جهانی یا جهانی شدن اقتصاد (Globalization Economic) پیش می‌رود، در آن صورت هر نوع مناسبات اقتصادی می‌بایستی بر اساس اهداف و برنامه‌های درازمدت تنظیم گردد. تنظیم چنین مناسباتی پیش‌نیازهایی دارد که قبل از هر چیز ثبات سیاسی درازمدت در کشورهای ذی‌ربط می‌باشد.

در دوران جنگ سرد، بر اساس اولویت‌های سیاسی ناشی از تقابل‌های جهانی، ثبات سیاسی در کشورهای ذی‌ربط، در نهایت به مفهوم باقی ماندن در یکی از دو اردوی جهانی، بلوک شرق و یا بلوک غرب، آن هم به قیمت و به هر شکلی، حتی با سرکوب و یا مشت آهنین و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های اساسی مردم تعریف می‌شد. اما اکنون در دوران بعد از جنگ سرد، ثبات سیاسی معنا و مفهوم تازه‌ای، به تناسب اولویت‌های اقتصادی پیدا کرده است. به درستی معلوم شده است که قوی‌ترین حکومت‌های استبدادی و توتالیتر، در درازمدت به مراتب بی‌ثبات‌تر است از ضعیف‌ترین نظام‌های دموکراتیک.

بنابراین روابط اقتصادی درازمدت و استراتژیک میان دو کشور هنگامی میسر است که هر دو کشور، از یک نظام سیاسی مردم‌سالار با ثبات ویژه برخوردار باشند. پیدایش و توسعه موج سوم دموکراسی در جهان، بعد از جنگ سرد، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شرایط کنونی محسوب می‌گردد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد که منافع و مصالح ملی و استراتژیک ایران و آلمان در یک نقطه به هم رسیده و با هم هماهنگ هستند.

برای ایرانیان یک حکومت مردم‌سالار، که از طریق تأمین تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و اعمال آزادانه و بی‌قید و شرط حق حاکمیت ملت به وجود آمده باشد یک آرمان و یک هدف اساسی و استراتژیک است. همان چیزی که تأمین آن از عوامل اصلی و عمده انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) محسوب می‌شود. اگر چه بعد از پیروزی انقلاب و حوادث دو دهه گذشته، این آرمان ملت ایران هنوز به نقطه قابل قبولی نرسیده است اما اکنون همین آرمان، همین هدف، یکی از قوی‌ترین نیروی محرکه در تحولات اخیر ایران می‌باشد. این نیروی محرکه، به همان میزان دوران انقلاب سال ۱۹۷۹ قوی و پویاست. اما مردم، به دنبال انقلابی دیگر نیستند، بلکه خواستار ایجاد تغییرات و تحولات و بهبود تدریجی - گام به گام مسالمت‌آمیز و قانونمند هستند.

بی‌تردید جمهوری اسلامی با بحران‌ها و مشکلات متعددی روبروست. اما در ایران اجماع نظر بر این است که تا بحران و مشکل سیاسی کشور حل نشود، حل سایر مشکلات امکان‌پذیر نیست. این همان چیزی است که آقای خاتمی در هنگام انتخابات ریاست جمهوری قبل در برنامه‌های خود اعلام کردند که معتقدند توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی اولویت دارد و مردم آن را فهمیدند و به آن رأی دادند و برای تحقق

آن از ایشان حمایت می‌کنند.

دولت آلمان نیز علی‌الاصول نیازمند داشتن روابط استراتژیک اقتصادی با ایران می‌باشد. ایران نیز از این نوع روابط استراتژیک استقبال می‌نماید. اما تحقق این روابط در گرو موفقیت فرایند توسعه سیاسی در ایران است.

روابط اقتصادی کوتاه مدت، اگر در رابطه با برنامه‌های دراز مدت نباشد برای ما ایرانیان، هم گران و پر هزینه خواهد بود و هم به فرایند توسعه سیاسی در ایران لطمه وارد خواهد ساخت.

برای توسعه اقتصادی، ایران نیازمند به سرمایه و فن‌آوری است. برای جلب سرمایه‌های ملی (ایرانی)، چه سرمایه‌های فراوان سرگردان در داخل و یا در خارج از کشور، ابتدا باید ثبات و امنیت سیاسی، اقتصادی، قضایی و اجتماعی به وجود آورد. اگر ایران نتواند با فراهم آوردن چنین ثباتی موفق به جلب سرمایه‌های ایرانی بشود، قطعاً نمی‌تواند توقع داشته باشد سرمایه‌گذاران خارجی از دعوت ایران استقبال نمایند. از طرف دیگر احتمالاً حتی اگر ایران موفق به جلب سرمایه‌های ایران بشود، باز هم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی در دهه‌های آینده، ایران نیازمند به جلب سرمایه‌های خارجی خواهد بود.

از جانب دیگر، ایران برای توسعه اقتصادی لاجرم باید دو مرحله را بگذراند. در مرحله اول اجرای برنامه تعدیل اقتصادی به معنای توسعه بخش خصوصی در قلمرو و تولید کالاهای مصرفی صنعتی و کشاورزی است. تا آنجا که مجبور نباشد درآمد نفتی خود را صرف خرید کالاهای مصرفی نماید. در این مرحله سیاست کلان جایگزین کالاهای مصرفی وارداتی با تولید داخلی مورد نظر است. اما در مرحله دوم ایران بایستی بتواند، با بهبود استاندارد تولید ملی خود، وارد بازارهای رقابتی جهانی بشود.

لازمه توسعه اقتصادی ایران، رهایی اقتصاد کشور از اتکای انحصاری به درآمدهای نفتی است. به عبارت دیگر ایران نیازمند توسعه صادرات غیرنفتی خود می‌باشد. همکاری‌های اقتصادی آلمان و ایران می‌تواند الگوی خوبی در این راستا باشد. ایران می‌تواند بسیاری از کالاهای مصرفی آلمان را تأمین نماید. تا آنجا که صادرات ایران به آلمان از محدوده کالاهای سنتی نظیر فرش و ادویه و گیاهان دارویی ... فراتر برود. در مقابل آلمان می‌توان منبع عمده تأمین کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز ایران باشد.

ایران و آلمان می‌توانند در برنامه‌های آینده مناسبات اقتصادی خود، در زمینه‌های یاد شده در بالا فعال باشند. سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت مشترک در بخش‌های صنعت و کشاورزی می‌تواند هم در بالا بردن کیفیت کالاهای تولید شده و هم در قابلیت صدور آنها به بازارهای آلمان مفید و موثر باشد.

بنابراین ما از توجه عمیق و گسترده دولت آلمان به مناسبات و تحولات سیاسی در ایران استقبال می‌نماییم. معنا و مفهوم این موضع‌گیری، این نیست که دولت آلمان را به دخالت در امور داخلی ایران دعوت و یا ترغیب نمایم، بلکه توجه دادن و دعوت کردن به پرهیز از روابط اقتصادی کوتاه مدت، به هر قیمت با ایران، و نادیده گرفتن منافع استراتژیک و دراز مدت ایرانیان است.

خطری که ما ایرانیان در روابط ایران و آلمان (و سایر کشورها) حس می‌کنیم این است که تصمیم‌گیرندگان آلمانی، منتظر موفقیت مبارزه ملت ایران در نهادینه کردن فرایند توسعه سیاسی باقی نمانند و برای جلب و تأمین منافع کوتاه مدت خود، به خصوص در رقابت با سایر دولت‌ها، از طرح و پیگیری برنامه‌های درازمدت استراتژیک اقتصادی صرف‌نظر نمایند.

در تاریخ روابط ایران و آلمان زمینه‌های بازدارنده‌ای وجود ندارد. آلمان در توطئه‌های تاریخی علیه منافع و مصالح کلان ملی ایران مشارکت نداشته است.
بنابراین در چارچوب آن چه گفته شد می‌توان آینده خوب و روشنی را از روابط دو کشور انتظار داشت.
باتشکر از توجهی که مبذول داشتید.

ابراهیم یزدی
دبیرکل نهضت آزادی ایران
۴ اسفند ۱۳۷۸ مطابق ۲۳
فوریه ۲۰۰۰